

یادداشت

افغانستان؛ از میزبانی پرهزینه تا مطالبه‌گری مسئولانه

علیرضاجانی

تحولات اخیر افغانستان، به‌ویژه گزارش‌های مربوط به سلب مالکیت، تخلیه اجباری، محدودسازی نهادهای مذهبی و اجتماعی و فشار بر جوامع شیعه و هزاره، صرفا مجموعه‌ای از اختلافات محلی یا اداری نیست. کنار هم قراردادن این رخدادها با سابقهٔ چندساله جابه‌جایی اجباری، تصرف زمین و محدودسازی حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی، ضرورت بررسی احتمال وجود یک الگوی فشار چندوجهی و ساختاری را مطرح می‌کند. برای ایران، مسئله از این نیز فراتر است. ایران طی دهه‌ها یکی از اصلی‌ترین پذیرندگان سرریزهای انسانی بحران افغانستان بوده و هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و انسانی آن را تحمل کرده است. بنابراین، ایران اگرچه مالک یا صاحب حاکمیت بر افغانستان نیست، اما به عنوان کشوری که مستقیما از بی‌ثباتی افغانستان متأثر شده و بخش مهمی از هزینه‌های آن را پرداخته است، صاحب سهم در امنیت، ثبات و آینده انسانی منطقه و صاحب حق مطالبه‌گری مسئولانه است. اما یک تناقض اساسی وجود دارد: چگونه می‌توان از صیانت از حقوق مردم افغانستان سخن گفت، در حالی که روابط سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک ایران با حاکمیت طالبان نیز در مسیر تعامل و گسترش قرار دارد؟ پاسخ، نه قطع رابطه است و نه سکوت، بلکه تعامل مشروط، مطالبه‌گری صریح و قاطعیت هوشمند است.

۱. مسئله فقط زمین نیست

گزارش‌های اخیر درباره شهرک امید سبز در غرب کابل و برخی مناطق دیگر، در کنار گزارش‌های پیشین درباره تخلیه یا تصرف املاک متعلق به هزاره‌ها و شیعیان، باید با حساسیت بیشتری بررسی شود. اگر زمین و مسکن از یک جامعه گرفته شود، موضوع صرفا یک دعوی مالکیت نیست. زمین، پایه زیست اجتماعی، سرمایه خانوادگی، امنیت اقتصادی و استمرار حضور یک جامعه در سرزمین خود است. از همین رو، سلب مالکیت گسترده، در صورت اثبات هدمفندبودن، می‌تواند آثار جمعیتی و امنیت انسانی داشته باشد. گزارش‌های حقوق‌بشری در سال‌های گذشته نیز موارد متعددی از اخراج اجباری هزاره‌ها، مصادره یا بازتوزیع زمین و اعمال فشار بر جوامع شیعه را ثبت کرده‌اند. این سوابق، ضرورت راستی‌آزمایی مستقل و مستندسازی دقیق رخدادهای جدید را دوچندان می‌کند.

۲. فشار بر «نهاد» از فشار بر «فرد» مهم‌تر است

تعطیلی یا محدودسازی رسانه‌ها، مراکز آموزشی و مذهبی، فشار بر نهادهای اجتماعی و بازداشت چهره‌های مذهبی و مدنی، اگر به‌صورت مستمر و هماهنگ رخ دهد، معنایی فراتر از برخورد موردی پیدا می‌کند. در چنین شرایطی، مسئله فقط امنیت یک فرد نیست؛ ظرفیت یک جامعه برای نمادنگی، سازمان‌یابی و دفاع از حقوق خود تضعیف می‌شود. گزارش‌های اخیر درباره حوزه علمیه خاتم‌النبیین، نهادهای مرتبط با جامعه شیعه و هزاره و رسانه‌های فارسی‌زبان، از این منظر باید در یک بازل واحد و البته با تفکیک دقیق «خبر تأییدشده»، «ادعا» و «تحلیل» بررسی شوند.

۳. مسئله برای ایران فقط شیعه و هزاره نیست

درک مسئله صرفا از دریچه مذهبی یا قومی، دامنه موضوع را محدود می‌کند. آنچه در افغانستان در معرض فشار قرار می‌گیرد، در برخی موارد با جغرافیای انسانی، زبان فارسی، میراث فرهنگی، شبکه‌های اجتماعی و پیوندهای تاریخی ایران و افغانستان نیز ارتباط پیدا می‌کند. از این منظر، صیانت از حقوق فارسی‌زبانان و جوامع تاریخی افغانستان نباید به معنای مداخله در امور داخلی آن کشور یا حمایت از یک قوم علیه قوم دیگر تلقی شود. سیاست مطلوب ایران باید بر یک اصل انتخاب کند: انتقاد دیپلماتی مؤثر باید بتواند این دو انسانی، حق مالکیت، حق آموزش، حق عبادت و حق مشارکت اجتماعی برای همه مردم افغانستان. این رویکرد، هم از نظر اخلاقی و هم از نظر دیپلماتیک، جایگاه ایران را تقویت می‌کند.

۴. پارادوکس سیاست ایران و طالبان

واقعیت این است که ایران و طالبان در سال‌های اخیر وارد یک رابطه صرفا تقابلی نبوده‌اند. مسائل مرزی، آب، تجارت، مهاجرت، امنیت، مبارزه با قاچاق و منافع اقتصادی، ضرورت تعامل تهران و کابل را ایجاد کرده است. این تعامل فی‌نفسه نه‌تنها اشکالی ندارد، بلکه برای تأمین منافع ملی ایران ضروری است. مشکل از جایی آغاز می‌شود که تعامل با حاکمیت افغانستان به سکوت در برابر نقض حقوق جوامع افغانستان تعبیر شود. ایران نباید میان «رابطه با حکومت» و «دفاع از مردم» یکی را انتخاب کند. اتفاقا دیپلماتی مؤثر باید بتواند این دو را هزم‌زمان پیش ببرد؛ تعامل با حاکمیت برای تأمین منافع ایران؛ مطالبه‌گری از حاکمیت برای صیانت از حقوق مردم. این همان نقطه‌ای است که مفهوم «قاطعیت هوشمند» معنا پیدا می‌کند.

۵. ایران هزینه داده است، بنابراین حق مطالبه‌گری دارد

ایران در دوره‌های مختلف، مقصد بخش بزرگی از جمعیت رانده‌شده از افغانستان بوده است؛ انسان‌هایی که نتیجه جنگ، اشغال، فروپاشی سیاسی، ناامنی و افراط‌گرایی بوده‌اند. این میزبانی، علاوه بر مسئولیت انسانی، برای ایران هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، آموزشی، درمانی و زیرساختی ایجاد کرده است. بنابراین ایران نمی‌تواند همواره «بلارگردان جغرافیایی بحران افغانستان» باشد، اما هنگام شکل‌گیری نظم سیاسی و اجتماعی جدید در آن کشور، خود را فاد سهم و مطالبه بداند. ایران حق ندارد برای افغانستان تعیین‌تکلیف کند، اما حق دارد بگوید: ثباتی که با سلب مالکیت، کوچ اجباری، حذف اجتماعی یا فشار مذهبی و قومی ایجاد شود، ثبات پایدار نیست و هزینه آن نهایتا به کشورهای همسایه، از جمله ایران، منتقل خواهد شد.

۶. آیا این روند «خط‌و نشان» برای ایران است؟

برای انتساب قطعی این اقدامات به یک طرح مشخص ضدایرانی، شواهد کافی در دست نیست و چنین ادعایی نیازمند مستندات مستقل است. اما از منظر راهبردی، نمی‌توان پیامدهای آن را برای ایران نادیده گرفت. اگر جامعه‌ای که از نظر تاریخی، زبانی، فرهنگی و مذهبی با ایران پیوند دارد، به‌تدریج از زمین، نهاد، رسانه، آموزش و امکان نمایندگی اجتماعی محروم شود، نتیجه آن می‌تواند افزایش مهاجرت، بی‌اعتمادی، رادیکالیزه‌شدن فضا و تولید موج‌های جدید کشورگریزی باشد. بنابراین حتی اگر انگیزه مستقیم ضدایرانی اثبات نشود، پیامد این روند برای منافع ایران می‌تواند کاملا واقعی باشد. این همان جایی است که هوشیاری راهبردی باید جای واکنش مقطعی را بگیرد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

شرق: وقتی از یک روس معمولی بپرسید «اوضاع چطور است؟»، پاسخ او اغلب یک کلمه است: نرمال. زندگی زمانی نرمال است که نه وضع فوق‌العاده خوبی داشته باشید و نه با شرایطی کاملا فاجعه‌بار روبه‌رو باشید. معادل انگلیسی این واژه را شاید بتوان چیزی میان دارم دوام می‌آورم و بد نیست‌م دانست. با این حال، بیشتر روس‌ها احتمالا موافق‌اند زندگی زمانی عادی است که بتوانید از نظر مالی روزگار بگذرانید، فرزندانتان بیش از حد از شما متفر نباشند و مقام‌های حکومتی نیز عمدتا کاری به کارتان نداشته باشند.
فارت‌پالیسی در گزارشی نوشت: حکومت پوتین این مفهوم از عادی‌بودن را به چالش کشیده است. پیش از حمله گسترده روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، زندگی برای روس‌های معمولی و حتی نخبگان این کشور، در مجموع نرمال بود. اما اکنون، پس از چهار سال و نیم جنگ، زندگی برای روس‌هایی که خارج از حباب‌های نسبتا امن مسکو و سن‌پترزبورگ زندگی می‌کنند، دیگر چندان «عادی» نیست، حتی ساکنان این دو شهر به‌تدریج با پیامدهای جنگی روبه‌رو شده‌اند که برای مدت طولانی آن را درگیری‌ای دور دست و تقریبا خیالی می‌دانستند.

بازگشت به زندگی عادی، بدون پایان جنگ ممکن نیست

حداقل بازگشت به وضعیت عادی مستلزم پایان جنگ است و این امر تا حد زیادی به معنای پایان حکومت پوتین خواهد بود. ممکن است پوتین حتی در شرایط ادامه جنگ نیز بر اثر کودتا از قدرت کنار گذاشته شود، اما تا زمانی که او به دلایل شخصی و سیاسی خود همچنان بر ادامه جنگ اصرار داشته باشد، پایان‌دادن به آن دشوار خواهد بود.

فرهنگ سیاسی روسیه و رؤیای عظمت

اولین عامل فرهنگ سیاسی و برداشت روس‌ها از هویت ملی‌شان است. یکی از عناصر اصلی تصور روس‌ها از خود، این اعتقاد ریشه‌دار و از نظر فرهنگی پذیرفته‌شده است که روسیه به شکلی منحصربه‌فرد برای بزرگ‌بودن ساخته شده است. در چنین نگرشی، مأموریت تاریخی روسیه دقیقا نقطه مقابل زندگی عادی است. روسیه قرار نیست صرفا در مرزهای خود مستقر شود، از دست‌آورد هایش بهره ببرد و زندگی روزمره مردم را سامان دهد، بلکه باید سرنوشت تاریخی خود را محقق کند و تمدن روسی را گسترش دهد. گونه‌هایی از این نگاه را می‌توان در میان مقام‌ها و چهره‌های فرهنگی روسیه تزاری، از جمله فئودر داستایفسکی و همچنین در میان برخی مخالفان کمونیسم، از جمله الکساندر سولژنتسین مشاهده کرد. امروز همین نگاه در میان چهره‌های ماندن ولادیمیر پوتین، پاتریارک کریل رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه، دیمیتری مدودف، الکساندر دوگین و ولادیمیر سولوویوف دیده می‌شود. بخش درخ‌وز توجهی از جامعه روسیه نیز اگر نه به



آینده روسیه پس از جنگ؛ امپراتوری یایک کشور عادی؟

پوتین و رؤیای روسیه بزرگ

شکل صریح، دست‌کم در قالب بخشی از فضای فرهنگی پیرامون خود، با این دیدگاه‌ها همراه است. اینکه چنین نگرش‌هایی طی دهه‌ها و حتی قرن‌ها در گفتمان روسیه حضور پررنگ داشته‌اند، نشان می‌دهد با یک دیدگاه زودگذر مواجه نیستیم؛ با ساختاری سیاسی و فرهنگی و یک هنجار نسبتا پایدار روبه‌رو هستیم.

آیا روسیه برای عادی‌شدن به یک شکست نیاز دارد؟

با وجود این فرهنگ سیاسی ریشه‌دار، بسیاری از روس‌هایی که در زندگی روزمره خود خواهان آرامش و ثبات هستند، در برابر ادعای عظمت ملی روسیه با دشواری مواجه‌اند. بریتانیا و فرانسه امپراتوری‌های خود را از دست دادند. آلمان و ژاپن که زمانی قدرت‌هایی تهاجمی بودند، در جریان جنگ جهانی دوم با ویرانی گسترده مواجه شدند و پس از جنگ، تمرکز خود را بر صلح و رفاه داخلی گذاشتند. شاید ایالات متحده هم امروز در حال مواجهه با پیامدهای رفتار گذشته خود باشد. این نمونه‌ها نشان می‌دهند روسیه فقط در صورتی می‌تواند سرانجام عادی‌شدن را بی‌پذیرد که شکست روشنی از اوکراین متحمل شود. به ادعای نویسنده، یک آتش‌بس ساده کافی نخواهد بود. حتی کناررفتن پوتین نیز کافی نیست. در شرایط کنونی، به باور نویسنده، تصور اینکه چیزی کمتر از یک فروپاشی بزرگ بتواند روس‌ها را سرانجام به همان مسیری ببرد که آلمان‌ها پس از سال ۱۹۴۵ طی کردند، دشوار است.

دومین مانع: ساختار دولت روسیه

دومین عاملی که مانع تبدیل‌شدن روسیه به کشوری عادی است، خود دولت روسیه است. مسئله اصلی، اندازه و پیچیدگی یک واحد سیاسی است که در ۱۱ منطقه زمانی گسترده شده و جمعیت آن را ملت‌هایی با فرهنگ‌ها، ادیان، تاریخ‌ها و هویت‌های متفاوت تشکیل می‌دهند. چنین دولتی ذاتا ساختاری امپراتوری دارد؛ ساختاری متشکل از مراکز قدرت و مناطق پیرامونی که ساکنان آنها معمولا با سه انتخاب مواجه هستند: تبدیل‌شدن به اتباعی بدون صدا، همکاری عملی با حکومت مرکزی یا قرارگرفتن در صف مخالفان تحت تعقیب. روسیه تزاری آشکارا یک امپراتوری بود. اتحاد جماهیر شوروی هم با نظام سیاسی و اقتصادی فوق‌العاده متمرکز خود، شاید کامل‌ترین ریشه‌های امپراتوری را به نمایش گذاشت. روسیه دوران پوتین نیز از این منظر همچنان یک امپراتوری است؛ چه در داخل کشور و چه از نظر جاه‌طلبی‌های آن در منطقه و فراتر از آن. نویسنده معتقد است با چند استثنا، اکثریت روس‌های قومی ظاهرا با ساختار امپراتوری دولت خود مشکلی ندارند. نویسنده سپس به الکسی ناولتی، از چهره‌های اصلی مخالف پوتین، اشاره می‌کند و می‌نویسد او هم در گذشته از حملات روسیه به گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ حمایت کرده و پیش از آنکه در سال ۲۰۲۲ موضع

خود را تغییر دهد، اظهاراتی ملی‌گرایانه و حتی نژادپرستانه درباره غیروس‌ها مطرح کرده بود. امپراتوری‌ها در نهایت افول می‌کنند و پروژه پوتین از این قاعده مستثنا نخواهد بود. به نوشته موئیل، دلایل افول امپراتوری‌ها متعدد است، اما یکی از عوامل اصلی، رابطه میان ملت امپراتوری‌گرا که خواهان عظمت است و ملت‌های تحت سلطه‌ای است که هرچه هویت مستقل‌تری پیدا می‌کنند، بیشتر این ادعا را زیر سؤال می‌برند. ولادیمیر لنین، رهبر انقلاب روسیه، زمانی گفته بود شوینسم روسی باعث شکل‌گیری ملی‌گرایی و جدایی‌طلبی در میان غیروس‌ها شده است.

روس‌ها در یک دور باطل گرفتار شده‌اند

روس‌ها به شکلی پارادوکسیکال در یک دور باطل گرفتار شده‌اند. کنارگذاشتن فرهنگ سیاسی مبتنی بر عظمت و امپریالیسم می‌تواند راه را برای عادی‌شدن روسیه باز کند؛ اما هم‌زمان یکی از منابع مهم غرور ملی و احساس قدرت را از بین خود برد. کوچک‌ترکردن یا حتی برچیدن ساختار امپراتوری هم می‌تواند شرایط را برای عادی‌شدن روسیه فراهم کند؛ اما این امر، یا به یک پیروزی بزرگ اوکراین نیاز دارد که انسجام دولت کنونی روسیه را تضعیف کند یا به نوعی اصلاحات شبیه پروتسرویکای میخائیل گورباچف که پیوندهای داخلی امپراتوری را سست کند.

چرا عادی‌شدن روسیه برای همسایگانش اهمیت دارد؟

عادی‌شدن روسیه فقط برای خوداین کشور اهمیت ندارد؛ برای همسایگانش نیز مسئله‌ای حیاتی است. فرهنگ عظمت‌طلبی و ساختار امپراتوری به‌تنهایی نه شرط ضروری و نه شرط کافی برای آغاز جنگ از سوی مسکو هستند. نویسنده یک فرض خلاف واقع مطرح می‌کند: آیا روسیه‌ای عادی که از فرهنگ امپراتوری و یک دولت متمرکز و قدرتمند رها شده باشد، باز هم جنگی ویرانگر علیه اوکراین را آغاز می‌کرد؟ از نگاه او، چنین احتمالی کاملا منتفی نیست ولی بعید به نظر می‌رسد. حقیقت تلخ و گریزناپذیر، به اعتقاد موئیل، این است که روسیه تا زمانی که شیفنگی به عظمت ادامه داشته باشد، برای بسیاری از همسایگانش، به‌ویژه اوکراین، یک تهدید اساسی باقی خواهد ماند. پوتین در حال تضعیف روسیه است. پوتین وعده داده بود روسیه را دوباره به یک قدرت بزرگ تبدیل کند. نویسنده مدعی شده نتیجه، معکوس بوده است؛ روسیه در حال ضعیف‌شدن است؛ تا جایی که احتمال فروپاشی یا تجزیه آن در نتیجه سیاست‌های خودویرانگر پوتین هر روز بیشتر می‌شود. و شاید روس‌ها بتوانند از این وضعیت نتیجه دیگری بگیرند؛ هنگامی که از این باور دست بکشند که کشور و دولت‌شان سرنوشت وژوژهای برای دستیابی به عظمت امپراتوری دارند، سرانجام می‌توانند از همان عادی‌بودنی لذت ببرند که در زندگی روزمره آرزویشان را دارند.

گزارش

توافق دانمارک و آمریکا برسر کرینلند

رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد واشینگتن با دانمارک و گرینلند به توافقی امنیتی دست یافته است که کنترل امور امنیتی بزرگ‌ترین جزیره جهان را به آمریکا می‌دهد. ترامپ در تروث‌سوشال نوشت این توافق «کنترل دائمی بر امنیت و تسمام دیگر نیازها در گرینلند» را در اختیار ایالات متحده قرار خواهد داد. به گفته او، چنین اقدامی نگرانی‌های آمریکا را برطرف خواهد کرد.

ترامپ در پست خود نوشت: «به دستور من، با نمایندگان دانمارک و گرینلند همکاری کردیم تا تضمین کنیم ایالات متحده برای همیشه از توانایی کامل برای انجام هرآنچه در گرینلند ضروری است، برخوردار باشد تا امنیت گرینلند و ایالات متحده آمریکا را تأمین و از آنها دفاع کند».

او افزود: «همچنین از این پس، هیچ‌یک از دشمنان آمریکا هرگز نمی‌توانند بدون موافقت کتبی و صریح ما، در گرینلند پایگاه داشته باشند، حضور نظامی برقرار کنند یا سرمایه‌گذاری‌های حساس انجام دهند». مارکو رویبو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز جمعه در مصاحبه با فاکس‌نیوز گفت این توافق مانع از آن خواهد شد که چین، روسیه و دیگر کشورهای غیرصوت‌ناتو در گرینلند پایگاه نظامی ایجاد یا نیرو مستقر کنند. رویبو گرینلند را «برای همیشه» بخشی از «منطقه دفاع راهبردی آمریکای شمالی» توصیف کرد و گفت این توافق از این پس «هرگونه حضور دشمنان» و «استقرار نیروهای آنها در نزدیکی این جزیره یا مناطق پیرامونی آن را متنفی خواهد کرد. او افزود: «این توافق نگرانی‌های امنیت ملی ما درباره گرینلند را به‌طور دائمی و کامل برطرف می‌کند». گرینلند، دانمارک و ایالات متحده انتظار دارند این توافق تا هفته آینده هم‌زمان با مجمع عمومی سازمان ملل متحد امضا کنند. پس از امضا، این توافق مراحل لازم پارلمانی را طی خواهد کرد تا رسمیت پیدا کند. ینس فردریک نیلسن، نخست‌وزیر گرینلند، گفت این توافق به نفع همه کشورها خواهد بود. نیلسن روز جمعه در بیانیه‌ای گفت: «مایه خرسندی است که در آستانه دستیابی به توافقی هستنیم که امنیت گرینلند و همچنین پادشاهی دانمارک، ایالات متحده و ائتلاف غربی را تضمین و تقویت می‌کند. این توافق منافع گرینلند و جایگاه ما در همکاری‌های بین‌المللی را به رسمیت می‌شناسد. این توافق به نفع همه ماست».

مته فردریکسن، نخست‌وزیر دانمارک نیز از نتیجه به‌دست‌آمده ابراز خرسندی کرد و گفت این توافق حق مردم گرینلند را برای تصمیم‌گیری درباره سرزمین خود به رسمیت می‌شناسد.

سند کمپانی دنا سفید مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ۱۷۱بران ۸۳۲ق ۷۷ شماره شاسی ۰۶۷۹JEA۱۰۱HE۶J۰۰۷NAAW و شماره موتور ۰۱۷۴۰۴۱۷H۱۴ به نام رضا قلیزاده با کدملی ۰۳۳۰۴۶۹۳۳۰۲۷۴ در ۰۱/۰۱/۱۴۰۴مفقود شده و فاقد اعتبار است.

شماره: ۱۴۰۵۶۰۳۰۲۶۰۰۱۴۸۸ تاریخ: ۱۴۰۵/۰۲/۰۶	
قوه قضائیه	
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان افغانستان	
اداره ثبت اسناد و املاک اداره ثبت اسناد و املاک شمال افغانستان	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۱۶-۲۹۰۲۶-۲۰۲۰۲۶۰۳۰۲۰۱۴۰۵ هیات اول دوم متقاضی آقای امین ترابی نژاد به شناسنامه شماره ۶۱۵ کدملی ۱۲۹۲۴۸۴۱۲۱ صادره افغانستان فرزند مهد نسبت به دو دانگ مشاع از شش دانگ یکباب مغازه پلاک شماره ۲۸۲ فرعی از ۱۴۹۱۵ اصلی واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال افغانستان تحت بررسی است. به مساحت ۱۳۴۱ متر مربع برابر رای شماره ۱۰۵-۲۶۰۲۰۲۶-۲۹۰۱۲۰۴۰۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸ هیات اول متقاضی خاتم نسربین لکسکویی به شناسنامه شماره ۸۵ کد ملی ۱۲۸۷۹۴۱۵۵۹ صادره افغانستان فرزند قدرت اله نسبت به چهار دانگ مشاع از شش دانگ یکباب مغازه پلاک شماره ۲۸۲ فرعی از ۱۴۹۱۵ اصلی واقع در بخش ۵ اداره ثبت اسناد و املاک شمال افغانستان تحت بررسی است. به مساحت ۱۳۴۱ متر مربع برابر رای رسمی رحیم امین الرعایا به موجب تقسیم نامه شماره ۱۷۰/۱ مورخ ۱۳۷۱/۱۲/۲۶ ۴۱/۱ دفتر ۸۶ افغانستان که مورد درخواست مع الاصله به موجب قولنامه عادی به متقاضی واگذار گردیده و تعدادی از شهود آن را تأیید نموده اند. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اسناد آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضات خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۳ شناسه آگهی: ۲۲۷۸۷۰۳	
حسین زمانی علویجه	
رئیس ثبت اسناد و املاک ۴۵۰۶	

قوه قضائیه	
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان افغانستان	
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب افغانستان	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی	
برابر آرا صادره هیات های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب افغانستان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراضی خود را به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراضات خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.	
ردیف ۱- برابر رای شمار ۲۵۴۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۸ هیأت سوم لذا مالکیت / خاتم مهین الرعایی به شناسنامه شماره ۶۷۰ کدملی۱۲۷۹۶۵۷۱۱۸۶۹۱۱ صادره افغانستان فرزند عبد الغفار در شش دانگ یکباب ساختمان شماره ۳۸۰/۸۰ متر مربع پلاک شماره ۷۱۵ فرعی از ۱۶ اصلی واقع در افغانستان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب افغانستان از مالکیت محمد اکرم صادقی برای فرزند حاجی رضا سند ۴۲۱۹ مورخ ۲۷/۱۲/۱۴۰۴ فرخته شد.	
۶۷ افغانستان تأیید محرز گردیده است.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۱۳	
شناسه آگهی: ۲۲۷۹۲۰۴	
احمد کاشف - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب افغانستان ۴۵۰۴	

قوه قضائیه	
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور	
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان افغانستان	
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک غرب افغانستان	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی	
برابر رای شماره ۲۴۴۷ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خاتم پریسا خاتم‌الدین فرزند بخشعلی بشماره شناسنامه ۱۸۶۴۱۰۳۳۱۰ کد ملی ۱۸۶۴۱۵۰۳۳۱۰ صادره از هرسین مبتنی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۶۲۸۱ متر مربع در محدوده ثبتی قسمتی از قشعه ششم از پلاک ۵۲ فرعی از ۱۴۰ اصلی واقع در بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک خریداری از مالک رسمی آقای علیمراد محیی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اسناد آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضاتی دخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ آیت اله زارع - رئیس ثبت اسناد و املاک ۲۸۵۰	

۴۵۰۳ احمد کاشف - رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب افغانستان

۱۴۰۵/۰۷/۱۳ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ تاریخ انتشار نوبت اول: ۲۲۷۹۱۸۶